

Jurisprudential Analysis of the Nature of Intellectual Property Lease Contract

Mohammad Sardou`inasab¹, 'Ali Taqikhani^{2}*

1. Associate Professor, Department of Private Law, College of Farabi, University of Tehran, Iran

2. Ph.D student in Private Law, College of Farabi, University of Tehran, Iran

(Received: May 15, 2020; Accepted: September 26, 2020)

Abstract

Undoubtedly, in the current era, what is important in the field of intellectual property is its commercialization. On the other hand, the transfer of intellectual property in the form of legal contracts is essential. These forms are numerous in Iranian law: some contracts, such as sale, exchange, and loan cause the transfer of ownership of the same property, and some other contracts, such as lease, transfer the ownership of interests for a limited period of time. What was examined in the present article is the feasibility of adapting the lease to intellectual property. Almost from the beginning of the formation of the intellectual property law system regarding the transfer of intellectual property concerning the feasibility of adapting the lease contract as a specific contract in the Iranian legal system, with intellectual property, there has been no organized and accurate research. The authors have studied the issue and concluded that according to the jurisprudential and legal definition of the lease contract and due to the term in this contract and the lack of a term in the copyright law, the creator's right is not compatible with the lease. As a result, it is not possible to design the legal environment governing this market, and it will not be possible to apply intellectual property in the form of a lease.

Keywords: Intellectual Property, Knowledge-Based Company, Lease Contract.

* Corresponding Author, Email: Taqikhani@gmail.com

پژوهش‌های فقهی، دوره ۱۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۰
صفحات ۱۴۳۸-۱۴۲۳ (مقاله پژوهشی)

تحلیل فقهی ماهیت عقد اجاره مالکیت معنوی

محمد ساردوئی نسب^۱، علی تقی‌خانی^{۲*}

۱. دانشیار گروه حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی پردیس فارابی دانشگاه تهران، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۷/۰۵)

چکیده

در عصر کنونی تجاری‌سازی و انتقال اموال معنوی در قالب قراردادهای قانونی، امری ضروری است. این قالب‌ها در حقوق ایران متعددند؛ برخی عقود مثل بیع، معاوضه و قرض، موجب انتقال مالکیت عین اموال می‌شوند، برخی عقود نیز مانند اجاره، سبب انتقال مالکیت منافع برای مدتی محدود می‌شوند. مقاله حاضر، امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره بر مالکیت معنوی را بررسی نموده است. در نظام حقوقی ایران در خصوص امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره به‌عنوان یک عقد معین با مالکیت معنوی، تحقیقی به‌صورت سازمان‌یافته و دقیق صورت نگرفته است. نگارندگان با بررسی و تدقیق در مسئله به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به تعریف فقهی و قانونی عقد اجاره و به‌دلیل تعیین مدت در این عقد و عدم تعیین مدت در قانون حمایت از حقوق مؤلفان، انتقال حق پدیدآورنده با عقد اجاره سازگار نیست. در نتیجه نمی‌توان فضای حقوقی حاکم بر این بازار را طراحی نمود و بنابراین، امکان انتقال دارایی معنوی در قالب عقد اجاره وجود ندارد.

واژگان کلیدی

شرکت دانش‌بنیان، عقد اجاره، مالکیت معنوی.

۱. مقدمه

حقوق مالکیت معنوی به دارنده خود اجازه می‌دهد از منافع مخلوقات فکری مربوطه منحصرأ استفاده کند. این حقوق دارای ارزش اقتصادی است که جزء دارایی شخص صاحب‌اندیشه به‌شمار می‌رود. هدف حمایت از مالکیت معنوی، ارتقای دانش در جامعه و کمک به رشد و توسعه اقتصادی کشورهاست. بنابراین چنانچه حمایت از این‌گونه حقوق به هدف مطلوب خود منتهی نشود، به‌خودی‌خود ارزش چندانی نخواهند داشت. از سوی دیگر، صاحبان حقوق برای بهره‌برداری از جنبه‌های مادی تلاش فکری خود و عرضه آنها به عموم جامعه، به سرمایه نیاز دارند تا با تجاری‌سازی ایده‌های خود به تولید انبوه دست یابند که یکی از دلایل اصلی سرعت پیشرفت توسعه فناوری در کشورهای صنعتی توجه به فرایند تجاری‌سازی نتایج تحقیقات داخلی آن کشورها بوده است.

بازار بورس در سراسر دنیا مهم‌ترین بازار رسمی تجاری به‌شمار می‌رود که آحاد اعضای جامعه تمایل به شرکت در آن دارند و دامنه مخاطبان بالایی دارد. نظام بازار بورس با عدالت، پویایی و استقلال خود، در راستای تحقق بخشی به هدف دستیابی به بازاری منصفانه، کارا و پویا، به تأمین مالی ارزان و آسان منجر می‌شود. در این بازار سهام به‌صورت آسان، سریع و کم‌هزینه مبادله شده و به شفافیت و اعتبار قیمت سهام منتهی می‌شود. بنابر تصریح قانون بازار اوراق بهادار مبنی بر اداره بازارهای خارج از بورس توسط نهادی متمرکز، شرکت فرابورس ایران با الهام از بازارهای خارج از بورس با هدف گسترش بازار اوراق بهادار و تنوع‌بخشی به دارایی‌های مالی مورد مبادله در بازار سرمایه با شرایط پذیرش و معامله ساده‌تر ایجاد شد. بنابراین به‌نظر می‌رسد می‌توان با برقراری ارتباط میان بازار بورس و دارایی معنوی به پیوند علم و صنعت و در نتیجه اقتصاد دانش‌بنیان دست یافت و با توجه به ویژگی بازار بورس در محیطی واقعی و رقابتی، ارزش واقعی مال فکری را تعیین کرد. این ابتکار که به‌تازگی وارد مرحله اجرا شده، می‌تواند نهضت نوینی در ایده‌پروری و نوآوری در عرصه‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی

پایه‌ریزی کرده و علم نافع را به جامعه سرازیر کند که این امر به پژوهشی حقوقی جهت تبیین ابعاد مربوطه نیاز دارد.

حقوق مالکیت معنوی به‌طور سنتی به دو شاخه اصلی و مهم تقسیم می‌شود: الف) حقوق مالکیت صنعتی و تجاری؛ ب) حقوق مالکیت ادبی و هنری و حقوق مرتبط که در هر یک از آن، دو بخش اساسی وجود دارد. یک بخش مادی آن که مستقیماً برای صاحب آن منفعت ایجاد می‌کند و بخش دیگر روابط غیرمالی است که ارزش دادوستد را ندارد و به‌طور مستقیم قابل ارزیابی به پول و مبادله نیست و انتقال‌ناپذیر است (سروری اشلیکی، ۱۳۹۱: ۱۸).

آنچه در عرصه مالکیت معنوی، در عصر کنونی اهمیت پیدا کرده، بحث تجاری‌سازی آن است، زیرا تا زمانی که حقوق مالکیت معنوی به‌عنوان ابزاری برای تحصیل منافع اقتصادی و تجاری قرار نگیرد، ارزش و جایگاه واقعی خود را در دنیای امروز پیدا نخواهد کرد. انتقال اموال معنوی باید در قالب قراردادهای معتبر انجام پذیرد. این قالب‌ها در حقوق ایران متعددند؛ برخی عقود مثل بیع، معاوضه و قرض، موجب انتقال مالکیت عین اموال می‌شوند، برخی عقود نیز مانند اجاره، موجب انتقال مالکیت منافع برای مدتی محدود می‌شوند. علاوه بر این، از حیث تعهدات ناشی از این عقود، در برخی موارد چون هبه، تملیک به‌طور مجانی واقع می‌شود. نکته مهم در همه این عقود آن است که پس از تحقق عقد، انتقال مالکیت مال موضوع عقد صورت می‌پذیرد، به‌نحوی که پس از تحقق عقد، از ناقل سلب مالکیت می‌شود و او نمی‌تواند در مورد آنچه واگذار کرده است، حقی داشته باشد. انتقال دائمی است و منتقل‌الیه قائم‌مقام ناقل می‌شود. حتی در اجاره نیز انتقال منافع در مدت معلوم، دائمی است. از این‌رو از آنجا که قانون‌های موجود صرفاً به قابلیت نقل و انتقال اموال معنوی (فکری) اشاره داشته‌اند و به اصول حاکم و قواعد خاص اشاره‌ای نشده است، بررسی قالب‌های سنتی انتقال در بحث مالکیت معنوی ضروری خواهد بود. اما آنچه در تحقیق حاضر در صدد بررسی آن هستیم، امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره به‌عنوان یکی از عقود معین، با مالکیت معنوی است. تقریباً از ابتدای شکل‌گیری نظام حقوق

مالکیت معنوی در خصوص انتقال اموال فکری تألیفاتی به چشم می‌خورد، اما در خصوص امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره به‌عنوان یک عقد معین در نظام حقوقی ایران، با مالکیت معنوی، هنوز تحقیقی سازمان‌یافته و دقیق صورت نگرفته است. بنابراین در تحقیق حاضر، این مسئله بررسی می‌شود.

۲. عقد اجاره

اجاره از جمله عقود معوض و تملیکی است که به لحاظ اهمیت و نقشی که در روابط اجتماعی دارد، مورد توجه روزافزون قانونگذاران قرار گرفته است. به‌نحوی که مهم‌ترین مبحثی که بعد از بیع مواد متعدد و فراوانی را در بین عقود معین، به خود اختصاص داده، عقد اجاره است که در زمره عقود لازم، تملیکی، معوض و موقت است. در ادامه ابتدا به تبیین مفهوم این عقد از منظر فقه و حقوق می‌پردازیم و سپس شرایط موضوع آن را مطالعه و در انتها قابلیت انعقاد عقد اجاره دارای معنوی را بررسی می‌کنیم.

۲.۱. مفهوم عقد اجاره

در فقه امامیه و فقه عامه تعاریفی نزدیک به هم از عقد اجاره به‌عمل آمده است، که نظر مشهور آن را تملیک منافع به عوض معلوم دانسته‌اند.

فقه‌های امامیه در تعریف اجاره نظرهای متفاوتی ابراز کرده‌اند. عقد اجاره در حقوق ایران از جمله عقود تملیکی است که از فقه به قانون مدنی راه یافته است. مشهور فقهای امامیه در تعریف اجاره، گفته‌اند: «الاجاره هی العقد علی تملیک المنفعة المعلومه بعوض معلوم». (شهید ثانی، ۱۴۰۷ق: ۹۷؛ نجفی، ۱۴۱۴ق: ۲۰۶). ولی عده‌ای از فقها تعریف فوق را کامل ندانسته‌اند و معتقدند که تملیکی بودن عقد اجاره با پاره‌ای از آثار آن سازگاری ندارد، چراکه منافع در عقد اجاره، حین‌العقد موجود نیست و اجاره چون از عقود معاوضی است، لذا می‌بایست کل منافع در برابر کل ثمن قرار گیرد و حال آنکه منافع عین مستأجره معدوم است. بر همین مبنا، عده‌ای از نویسندگان به مفهوم عرفی تسلیم استناد جسته و معتقدند که موجر تنها مکلف است مورد اجاره را به مستأجر تسلیم یا مستأجر را بر عین مستأجره تسلیم کند. در نتیجه

این امر، مستأجر مالک کل منفعت می‌شود. از این رو این افراد، در تعریف عقد اجاره آن را «ثمره تملیک منافع» دانسته‌اند؛ یعنی از آثار عقد اجاره که تملیک منافع است سخن به میان آورده‌اند. به عبارت دیگر، این عده از فقهای امامیه تملیک منفعت در برابر عوض معلوم را ثمره عقد دانسته‌اند (محقق حلی، ۱۴۰۹ق: ۱۳؛ محقق ثانی، ۱۴۱۲ق: ۸۰).

عده ای نیز به تعریف فوق قیدی افزوده و بیان می‌دارند: «... بقاء مالکیت مؤثر بر عین مستأجره» (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۱۵۸؛ علامه حلی، ۱۴۰۷ق: ۲۲۶).

بعضی نیز در تعریف مشابه با نظرهای فقهای مذکور، عقد اجاره را در حقیقت تسلیط مستأجر بر عین مستأجره برای انتفاع از آن در برابر عوض معلوم انگاشته‌اند (یزدی، ۱۴۲۱ق: ۱۷).

ماده ۴۶۶ قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه، اجاره را چنین تعریف کرده است: «اجاره عقدی است که به موجب آن مستأجر مالک منافع عین مستأجره می‌شود. اجاره دهنده را مؤجر و اجاره‌کننده را مستأجر و مورد اجاره را عین مستأجره گویند».

همان‌طور که از ظاهر ماده بر می‌آید، تعریف مذکور تعریف دقیقی از عقد اجاره ارائه نمی‌دهد. هر چند در ماده ۴۶۷ به اقسام اجاره اشاره شده و در ماده ۵۱۲ بحث از اجاره اشخاص می‌شود، لیکن ماده ۴۶۶ قانون مدنی در بردارنده تعریف جامع و مانعی از عقد اجاره نیست. همین امر موجب شده است تا حقوقدانان با جمع مواد قانونی عقد اجاره را چنین تعریف کنند: «عقدی است که به موجب آن مستأجر، در برابر مالی که به موجر می‌پردازد، برای مدت معین مالک منافع عین مستأجره می‌شود» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۶۸).

۲.۲. موضوع عقد اجاره

هدف اصلی عقد اجاره این است که موجر منفعت مورد اجاره یا به عبارت دقیق‌تر حق مالکیتی را که بر منافع دارد، در برابر عوض به مستأجر تسلیم و تملیک کند و شخصی غیر از مالک عین حق بهره‌برداری انحصاری از آن را پیدا می‌کند.

بنابراین مطابق آنچه در کتاب‌های فقها و حقوقدانان و همچنین قانون مدنی بیان شده

است، هیچ تردیدی وجود ندارد که موضوع عقد اجاره منفعتی است که متعلق به یک عین است. حال این عین مستأجره باید قابلیت بقا در برابر استفاده از منافع را داشته باشد. مطابق با ماده ۴۷۲ قانون مدنی، عین مستأجره باید معین باشد و اجاره عین مجهول یا مردود باطل است، زیرا عقد اجاره به منظور انتفاع از منافع به کار برده می‌شود و از این رو موضوع آن باید عین باشد. حال این عین ممکن است معین مانند اجاره یک خانه یا کلی همچون فروش بلیت هواپیما یا اتوبوس بوده و نیز میان موجر و دیگران به صورت مشترک و مشاع باشد. به موجب ماده ۴۷۵ قانون مدنی اجاره مال مشاع جایز است؛ اما تسلیم عین مستأجره موقوف به اذن شریک است.

۳. انتقال حقوق مالکیت معنوی در قالب عقد اجاره

در خصوص امکان انتقال منافع حاصل از آثار معنوی به عقد اجاره، نص قانونی وجود ندارد و تنها اشارات مواد قانونی در زمینه اجاره اموال است که سبب می‌شود انتقال اموال معنوی در قالب عقد اجاره تصور شود. از این رو مواردی را درباره دو بخش انتقال مالکیت ادبی و صنعتی به تفکیک بیان می‌کنیم. در بخش مالکیت ادبی باید گفت به نظر نمی‌رسد ماهیت «انتقال حقوق مؤلف» با عقد اجاره انطباق داشته باشد.

۴. ادله عدم انطباق عقد اجاره با مالکیت معنوی:

۴.۱. دلیل نخست: در اجاره لزوماً موضوع عقد متشکل از دو جزء عین و خود منافع است، در حقوق مؤلف صرفاً حقوق مالی مؤلف بدون هیچ پایگاهی وجود دارند و مورد اعتبار و شناسایی هستند. بر این اساس بسیاری از احکام قانون مدنی در باب اجاره، مثل تلف عین مستأجره، عیب آن و لزوم معلوم و معین بودن عین مستأجره، در این بحث منتفی‌اند. تسلیم عین مستأجره در مدت قرارداد ضروری است، ولی تسلیم یا بقای نسخه اصلی نزد منتقل‌الیه در طول مدت قرارداد ضرورتی ندارد. چه بسا ممکن است در لحظه انعقاد قرارداد حقوق مؤلف، نسخه اصلی اثر تلف یا مفقود شده باشد. برعکس در عقد

اجاره تملیک منفعت به مستأجر مستلزم وجود و تعیین عین مستأجره است (موسوی، ۱۳۷۹: ۵۷۱). بر همین اساس مواد ۴۷۰، ۴۷۱ و ۴۷۲ قانون مدنی احکام ویژه‌ای وضع کرده‌اند: ماده ۴۷۰ قدرت بر تسلیم عین مستأجره، ماده ۴۷۱ ق.م لزوم قابلیت بقای عین مستأجره در برابر انتفاع و بالأخره ماده ۴۷۲ قانون مدنی بر معین و معلوم بودن عین مستأجره تأکید و تصریح دارند.

۴.۲. دلیل دوم: تعیین مدت در عقد اجاره، شرط صحت عقد است (موسوی خمینی، ۱۳۷۹: ۵۷۳)، لیکن در انتقال حقوق مالی مؤلف، با وجود موقت بودن آن، به تعیین مدت نیازی نیست؛ در این صورت قانونگذار حداکثر مدت انتقال را سی سال قرار داده است (ماده ۱۴ قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان).

۴.۳. دلیل سوم: منافع، مالی است که به تدریج از عین حاصل می‌شود و ضابطه تمییز منفعت از عین همین تدریجی بودن حصول و تراوش آن است. حقوق مالی مؤلف به محض خلق اثر ایجاد می‌شوند و به گذشت زمان نیازی ندارند (موارد ۱ و ۲ قانون ایران). به این ترتیب آنچه در مورد حقوق مالی مؤلف مطرح می‌شود، حقی موجود، کامل و مورد اعتبار است، نه حقی که به تدریج به وجود می‌آید. از این رو علاوه بر فقدان پایگاه (عین مستأجره) خود حقوق مالی تمام به هنگام انتقال وجود دارند و نمی‌توان آنها را منفعت دانست. حتی اگر لاشه اصلی و اولیه اثر به کلی از بین برود یا آنکه به دیگران منتقل شود، حقوق مؤلف باقی خواهد ماند. در حالی که در اجاره، تصور بقا و وجود عقد و منفعت در حالتی که عین مستأجره تلف می‌شود، منتفی است (مواد ۴۸۳ و ۴۹۹ قانون مدنی).

۴.۴. دلیل چهارم: وجود حقوق معنوی مؤلف از یک سو و خصیصه قائم به شخص بودن قرارداد از سوی دیگر، محدودیت‌های فراوانی برای منتقل‌الیه حقوق مؤلف ایجاد می‌کند که تصور آن برای مستأجر دشوار است، مثل اصل عدم امکان انتقال حقوق مالی مؤلف مگر با اذن مؤلف، اصل لزوم بهره‌برداری از اثر، در حالی که مستأجر مثل هر مالکی الزام به بهره‌برداری از مال خود ندارد و علی‌الاصول حق انتقال آن را دارد (شهید ثانی، ۱۴۱۰ق: ۳۳۹).

۵. ۴. دلیل پنجم: قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، سال‌ها پس از قانون مدنی تصویب و وضع شده و قانونگذار به‌خوبی از پشتوانه غنی فقهی و نظریات موجود در خصوص کیفیت انعقاد عقد اجاره، بیع و ... آگاه بوده است. با این حال، انتقال حقوق مؤلف را بیع یا اجاره نامگذاری نکرده است. بنابراین آیا سکوت مقنن در مقام بیان قرینه آن نیست که قانونگذار انتقال حقوق مؤلف را جزو عقود معین نمی‌داند؟!

۶. ۴. دلیل ششم: مضافاً به اینکه لزوم بهره‌مندی از آثار و فواید اجاره نیز به‌تنهایی مفید نیست. شرایط و ارکان عقد اجاره در مورد انتقال حقوق مؤلف وجود ندارد. بنابراین نمی‌توان آن دو را یکی پنداشت. با این حال نزدیکی و تشابه میان اجاره شخص با قرارداد خلق اثر سفارشی که در حقوق ایران موجب انتقال حقوق مالی به سفارش‌دهنده می‌شود، بسیار تأمل‌برانگیز است (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۸۷ و ۱۸۸).

۷. ۴. دلیل هفتم: منافع در عقد اجاره به لحاظ پیوند با عین مستأجره، مربوط به مکان یا زمان خاصی هستند. درحالی‌که در حقوق مؤلف نه‌تنها شیوه‌های بهره‌برداری بسیار متنوع‌اند، مکان و زمان بهره‌برداری هم باید معین و محدود شود (مفهوم مواد مندرج در فصل دوم قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و وحدت ملاک ماده ۲۱۶ قانون مدنی). در غیر این حالت، منتقل‌الیه امکان استفاده از اثر به اشکال مختلف را خواهد داشت. به‌علاوه اینکه قرارداد اجاره لزوماً عقدی معوض است و بدون تعیین اجاره‌بها عقد باطل خواهد بود (مواد ۴۶۴ و ۴۹۰ قانون مدنی). درحالی‌که قرارداد بهره‌برداری از حقوق مؤلف، شاید به‌صورت مجانی منعقد شود.

۸. ۴. دلیل هشتم: در اجاره، منافع در مالکیت مستأجر به‌وجود می‌آید و همین امر کافی است تا تمام منافع متعلق به او باشد، در صورتی‌که شیوه‌های جدید بهره‌برداری از اثر که موضوع توافق مؤلف و طرف قرارداد او نیستند، به خود او تعلق دارند. در مجموع به‌نظر می‌رسد، انتقال حقوق مؤلف در حقوق ایران عقد اجاره نیست (محمدی، ۱۳۸۹: ۱۸۷ و ۱۸۸).

اما در مورد اجاره اموال صنعتی در ماده ۳۹ قانون ثبت علائم و اختراعات، قانونگذار

غیر از انتقال مالکیت، شکل دیگری از انتقال را در خصوص حق اختراع پیش‌بینی کرده است که عبارت است از انتقال حق استفاده از موضوع اختراع. در نگاه اول به نظر می‌رسد که این نوع قالب انتقال با ماهیت عقد اجاره مشابه است، اما بررسی‌های دقیق‌تر نشان می‌دهد تردیدهایی که در بحث ماهیت حقوق مالکیت ادبی و هنری وجود دارد، در اینجا هم امکان طرح دارند، در نتیجه ماهیت این‌گونه انتقالات با عقد اجاره یکی نیست و از طرفی قانون ثبت علائم و اختراعات، سال‌ها پس از قانون مدنی تصویب شده است؛ با این حال، انتقال حقوق مالی حق اختراع را اجاره نامگذاری نکرده است.

به نظر می‌رسد سکوت قانونگذار در خصوص علائم تجاری، مدارهای یکپارچه، نمونه‌های اشیای مصرفی و طرح‌های صنعتی نیز در همین مباحث طرح شدنی است (امیدیان، ۱۳۸۶: ۱۰۰).

۵. دلیل انطباق عقد اجاره با مالکیت معنوی

قائلان به انطباق عقد اجاره با مالکیت معنوی در تبیین این دیدگاه، چنین می‌نویسند: «اجاره اموال غیرمادی یا دارایی فکری نیز قابل تصور و پذیرفتنی است، زیرا اگر معنای تملیک منفعت انتقال حق مالکیت بر منافع باشد، آنچه در اجاره واگذار می‌شود با حقی که شخص بر حاصل کار و ابداع خود دارد نزدیک می‌شود و می‌توان گفت مالک ادبی و هنری و صنعتی نیز می‌تواند حق خود را به اجاره واگذار کند. یعنی با حفظ مالکیت خود انتفاع از آن را برای مدت معین و در برابر عوض به دیگران بدهد. نمونه‌ای از اجاره اموال غیرمادی را در انتقال موقت حق تألیف (طبع و نشر و فروش اثر) می‌توان دید. در عرف دادوستد، این قرارداد را "انتقال" می‌نامند تا از هرگونه اشکال قانونی و نظری پرهیز کنند. ولی تحلیل ماهیت آن ما را به اجاره نزدیک می‌کند. تنها مانع مهم عادت و رسم و سنت است که مالکیت را به عین مادی اختصاص می‌دهد و اجاره را به انتفاع منافع آن عین. وگرنه، اگر پرده این پندار دریده شود، می‌بینیم که هیچ تفاوتی میان انتقال حق مالکیت منافع اعیان و انتقال حق مالکیت منافع آثار ادبی و هنری و صنعتی نیست. به‌ویژه در اجاره، که انتقال منافع انسان یا انتفاع از کار و فعالیت شخص پیش‌بینی شده است، پذیرش انتقال منافع آن

گروه از کارها، که به دلیل جنبه‌های ابتکاری آن مورد حمایت ویژه قرار گرفته و در بازار به عنوان مال دادوستد می‌شود، آسان‌تر است. حقی که مستأجر اموال غیرمادی بر آن پیدا می‌کند همانند حق عینی است و به مالک حق تقیّب و تقدّم می‌دهد. بنابراین اگر بیگانه‌ای اثر ادبی نویسنده‌ای را بدون داشتن حق منتشر کند، ناشری که حق تألیف را اجاره کرده است می‌تواند مانع کار او شود و خسارت بگیرد. همچنین اگر مالک اثر حق مستأجر را رعایت نکند و حق نشر را به دیگری بدهد، کار او فضولی و قابل ابطال است و مستأجر می‌تواند با رد این اقدام ناشایسته ابطال آن را از دادگاه بخواهد» (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۳۶۸).

بنابراین حداقل می‌توان بهره‌برداری از اموال فکری توسط افراد غیر را مانند بهره‌برداری از اموال کلی تلقی کرد و در خصوص اجاره، آن را جزء اجاره عهده‌ی تلقی کرد. بر این اساس می‌توان دو شیوه معاملاتی انتقال حق بهره‌برداری اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های فکری شرکت‌های دانش‌بنیان برای مدت زمان معین و انتقال حق بهره‌برداری اوراق بهادار مبتنی بر دارایی‌های فکری برای مقدار معین در بازار بورس دارایی فکری را در قالب انعقاد عقد اجاره انجام داد. اما از نظر نگارندگان چنین امکانی وجود ندارد. به هر حال موضوع عقد اجاره استفاده از منفعت عین مستأجره است و حال آنکه دارایی‌های فکری، ماهیتی از جنس حق دارند و با مسامحه می‌توان قائل بر عینیت (عین در مفهوم موسع کلمه) آنها شد، مگر آنکه دارایی فکری را منفعت انسان بدانیم و پدیدآورنده را موضوع اجاره اشخاص تلقی کنیم که این نظریه هم در نظام حقوقی حقوق مالکیت معنوی کاملاً مردود بوده و دیگر کسی قائل بر این نیست که اثر فکری منفعت انسان باشد. بنابراین امکان واگذاری دارایی‌های فکری در قالب عقد معین اجاره موضوع قانون مدنی، نه تنها در بازار بورس، بلکه در فضای خصوصی میان اشخاص نیز وجود ندارد.

۶. نتیجه‌گیری و نظر مختار

بی‌تردید در عصر کنونی آنچه در عرصه مالکیت معنوی اهمیت پیدا کرده، بحث تجاری‌سازی آن است، چراکه تا زمانی که حقوق مالکیت معنوی به‌عنوان ابزاری برای تحصیل منافع اقتصادی و تجاری قرار نگیرد، ارزش و جایگاه واقعی خود را در دنیای

امروز پیدا نخواهد کرد. از سوی دیگر انتقال اموال معنوی باید در قالب قراردادهای معتبر و قانونی انجام پذیرد. این قالب‌ها در حقوق ایران متعددند؛ برخی عقود مثل بیع، معاوضه و قرض، موجب انتقال مالکیت عین اموال می‌شوند، برخی عقود نیز مانند اجاره، موجب انتقال مالکیت منافع برای مدتی محدود می‌شوند. علاوه بر این، از حیث تعهدات ناشی از این عقود، در برخی موارد مانند هبه، تملیک به‌طور مجانی واقع می‌شود. نکته مهم در همه این عقود آن است که پس از تحقق عقد، انتقال مالکیت مال موضوع عقد صورت می‌پذیرد، به‌نحوی که پس از تحقق عقد، از ناقل سلب مالکیت می‌شود و او نمی‌تواند در مورد آنچه واگذار کرده است، حقی داشته باشد. در واقع، انتقال دائمی است و منتقل‌الیه قائم‌مقام ناقل می‌شود. حتی در اجاره نیز انتقال منافع در مدت معلوم، دائمی است. از این‌رو از آنجا که قانون‌های موجود صرفاً به قابلیت نقل و انتقال اموال معنوی (فکری) اشاره داشته‌اند و به اصول حاکم و قواعد خاص اشاره‌ای نشده است، بررسی قالب‌های سنتی انتقال در بحث مالکیت معنوی ضروری خواهد بود. اما آنچه در تحقیق حاضر بررسی شد، امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره به‌عنوان یکی از عقود معین، با مالکیت معنوی است. از ابتدای شکل‌گیری نظام حقوق مالکیت معنوی در خصوص انتقال اموال فکری تألیفاتی به چشم می‌خورد، لکن در خصوص امکان‌سنجی انطباق عقد اجاره به‌عنوان یک عقد معین در نظام حقوقی ایران، با مالکیت معنوی، هنوز تحقیقی سازمان‌یافته و دقیق صورت نگرفته است. نگارندگان با بررسی و تدقیق در مسئله به این نتیجه رسیده‌اند که با توجه به تعریف فقهی و قانونی عقد اجاره و به‌دلیل تعیین مدت در این عقد و عدم تعیین مدت در قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان و هنرمندان، انتقال حق پدیدآورنده با عقد اجاره سازگار نیست. در نتیجه نمی‌توان فضای حقوقی حاکم بر این بازار را طراحی کرد و امکان انتقال دارایی فکری در قالب عقد اجاره وجود نخواهد داشت.

کتابنامه

۱. امامی، حسن (۱۳۸۸). حقوق مدنی، چ دوم، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲. امیدیان، فاطمه (۱۳۸۶). نحوه انتقال حقوق مالکیت فکری (معنوی)، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی.
۳. انصاری، باقر (۱۳۸۷). سازوکارهای حقوقی حمایت از تولید علم (حقوق پژوهش)، چ اول، تهران: سمت.
۴. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، چ اول، قم: مؤسسه آل‌البیت (ع).
۵. حلی، حسن بن یوسف مطهر (عالمه) (۱۴۱۰ق). تذکره الفقهاء، چ اول، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۶. ----- (۱۴۰۷ق). قواعد الاحکام، چ سوم، قم: مکتبه الداوری.
۷. دمر چیلی، محمد، علی حاتمی و محسن قرائی، (۱۳۸۲). قانون تجارت در نظم حقوقی کنونی، چ سوم، تهران: میثاق عدالت.
۸. روحانی قمی، سید صادق (۱۳۸۸). فقه الصادق علیه السلام (لروحانی)، چ اول، قم: دارالکتاب (مدرسه امام صادق علیه السلام).
۹. ستوده تهرانی، سید حسن (۱۳۷۹). حقوق تجارت، ج ۱، چ سوم، تهران: دادگستر.
۱۰. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق). المعنه الدمشقیه، چ اول، بیروت: دارالتراث.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵ق). المقنع، چ سوم، قم: مؤسسه امام هادی (ع).
۱۲. ----- (۱۴۱۴ق). من لا یحضره الفقیه، چ پنجم، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم، چ پنجم.
۱۳. طوسی، محمدحسن (۱۴۱۲ق). المبسوط فی فقه الامامیه، چ اول، بی‌جا: دار الکتب الاسلامی، چ اول.

۱۴. عاملی، محمد بن مکی (بی تا). القواعد و الفوائد، چ سوم، قم: کتابفروشی مفید.
۱۵. عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۴ق). مسالک الافهام الی شرح شرایع الاسلام، چ نهم، بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۶. ----- (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللعنه الدمشقیه، چ دهم، قم: کتابفروشی داوری.
۱۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۰). درس‌هایی از عقود معین (دوره مقدماتی)، چ پانزدهم، تهران: کتابخانه گنج دانش.
۱۸. ----- (۱۳۸۷). حقوق مدنی (معاملات معوض - عقود تملیکی)، چ دوم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۱۹. ----- (۱۳۸۸). استفتائات جدید، چ دوم، قم: دفتر انتشارات اسلامی حوزه علمیه قم.
۲۰. ----- (۱۳۸۸). عقود معین، چ نهم، تهران: شرکت سهامی انتشار.
۲۱. ----- (۱۳۸۸). قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، چ بیست و هفتم، تهران: میزان.
۲۲. کرکی، محقق ثانی (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، چ چهارم، قم: مؤسسه آل البیت.
۲۳. گرجی، ابوالقاسم (۱۳۷۲). «مشروعیت حق و حکم آن با تأکید بر حق معنوی»، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ش ۲۹، ص ۱۲۱-۱۳۲.
۲۴. محسنی، سعید؛ قبولی درافشان، سید محمد مهدی (۱۳۹۲). بررسی حمایت حقوقی از ایده، دانشگاه فردوسی مشهد، ص ۱۱۷-۱۳۷.
۲۵. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۷ق). شرایع الاسلام، چ هفتم، بی جا: دارالکتب الاسلامی.
۲۶. محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۰۷ق). کفایه الأحکام، چ اول، قم:

- دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۷. محمدی، پژمان (۱۳۸۶). قرارداد‌های حقوق مؤلف، تهران: دادگستر.
۲۸. محمودی، اصغر (۱۳۹۱). «ماهیت حقوق مالکیت فکری و جایگاه آن در حقوق اموال»، فصلنامه دانش حقوق مدنی، دوره اول، ش ۲، ص ۹۴-۱۰۷.
۲۹. مراغی، سید میر عبدالفتاح (۱۴۱۴ق). *العناوین الفقهیة*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۰. مصطفوی، سید محمدکاظم (۱۴۲۲ق). *فقه المعاملات*، چ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۵ق). *انوار الفقاهه (کتاب النکاح)*، چ سوم، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چ سوم.
۳۲. موسوی خمینی، روح‌الله. *بدایع النور فی قاعده نفی الضرر*، چ هفتم، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۳. ----- (۱۴۲۴ق). *تحریر الوسیله*، چ یازدهم، قم: مؤسسه نشر الاسلامی.
۳۴. نجفی، محمدحسن بن باقر (۱۴۰۴ق). *جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام*، چ هفتم، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

References

1. Ameli, M. (the first martyr) (unpublished). *Rules and Benefits*, Qom: Mofid Bookstore. (in arabic)
2. ----- (1410 AH 1989). *Damascus School*, Beirut, Dar Al-Tarath. (in arabic)
3. Ameli, Z (Shahid Thani) (1410 AH 1989). *Al-Rawdah Al-Bahia in the explanation of the Damascus branch in the jurisprudence*, Qom: Davari Bookstore. (in arabic)
4. ----- (1414 AH 1993). *Masalak al-Afham to Sharh Sharia al-Islam*, Beirut: Dar al-Kitab al-Alamiya. (in arabic)
5. Ansari, B. (2008). *Legal mechanisms to support the production of science (research law)*, Tehran: Samat Publications. (in Persian)

6. Demar Chili, M. ,Ali Hatami and Mohsen gharaee. (2003). *Commercial Law in the Current Legal Order*, Tehran: Misagh Adalat Publications. (in Persian)
7. Emami, H. (2009). *Civil Rights*, Tehran: University of Tehran Press. (in Persian)
8. Harr Ameli, M. (1409 AH 1988). *Shiite means*, Qom: Al-Bayt Institute (AS). (in arabic)
9. Halli, H. (Allama). (1410 AH 1989). *Tazkereh al-Fiqh*, Qom, Qom Seminary Teachers Association. (in arabic)
10. ----- (1407 AH 1986). *Judgment rules*, Qom: Maktab al-Dawari. (in arabic)
11. Rouhani Qomi, S. (2009). *Fiqh of Al-Sadiq (peace be upon him) (for the spiritual)*, Qom: Dar Al-Kitab (Imam Sadegh School). (in arabic)
12. Sotoudeh Tehrani, H. (2000). *Commercial Law*, Vol. I, Tehran: Justice Publishing. (in Persian)
13. Saduq, M. (1415 AH 1994). *The Legally Sufficient*, Qom: Imam Hadi Institute (AS). (in arabic)
14. ----- (1414 AH 1993). *I do not attend the jurisprudent*, Qom: Qom Seminary Islamic Publications Office. (in arabic)
15. Tusi, M.H. (1412 AH 1991). *Prolonged in Imami jurisprudence*, Qom: Islamic Books House. (in arabic)
16. Katozian, N. (2008). *Civil Law (Exchange Transactions - Proprietary Contracts)*, Tehran, Anteshar Co. (in Persian)
17. ----- (2009). *Moin Contracts*, Tehran: Anteshar Co. (in Persian)
18. ----- (2011). *Lessons from certain contracts (introductory course)*, Tehran, Ganj-e-Danesh Library. (in Persian)
19. ----- (2011). *Civil Law in the Current Legal Order*, Tehran: Mizan Publishing. (in Persian)
20. ----- (2009). *New Referendums*, Qom, Qom Seminary Islamic Publishing Office. (in Persian)
21. Karki, Mohaghegh Thani (1414 AH 1993). *Collector's purposes in explaining the rules*, Qom: Al-Bayt Institute. (in arabic)
22. Gorji, A. (1993), "Legitimacy of the right and its ruling with emphasis on intellectual right", *Journal of the Faculty of Law and Political Science*, Tehran, Vol. 29, pp. 122-132. (in Persian)
23. Mohseni, S.; Acceptance of Darafshan, M. M. (2013). *A Study of Legal Support for the Idea (Comparative Study in the Legal Systems of Iran and France)*, Mashhad: Ferdowsi University. (in Persian)
24. Mohaqeq Hali, J. (1407 AH 1986). *Sharia al-Islam*, Qom: Islamic Library. (in arabic)
25. Mohaghegh Sabzevari, M. B. (1407 AH 1986). *Kifayat al-Ahkam*, Qom: Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in arabic)
26. Mohammadi, P. (2007). *Copyright Contracts*, Tehran: Justice Publications. (in Persian)
27. Mahmoudi, A. (2012). "The Nature of Intellectual Property Law and Its Place in

- Property Law", *Quarterly Journal of Civil Law Knowledge*, Tehran, Volume 1, Issue 2, pp. 94-107. (in Persian)
28. Maraghi, A. (1414 AH 1993). *Juristic titles*, Qom: Office of Islamic Publications affiliated with the Society of Seminary Teachers. (in arabic)
29. Mustafavi, M.K. (1422 AH 2001). *Fiqh of Transactions*, Qom, and Islamic Publications Office affiliated with the Society of Teachers of the Seminary of Qom. (in arabic)
30. Makarem-e- Shirazi, N. (1425 AH 2004). *Anwar al-Fiqhah (Kitab al-Nikah)*, Qom: Islamic Publishing Institute. (in arabic)
31. Mousavi Khomeini, R. (1994). *Bada'i Al-Noor Fi Qaeda Nafi Al-Harm*, Tehran: Imam Khomeini Publishing House. (in arabic)
32. ----- (1424 AH 2003). *Explanation of Wasila*, Qom: Islamic Publishing Institute. (in arabic)
33. Najafi, M.H. (1404 AH 1984). *Jawahar al-Kalam fi Sharh Sharia al-Islam*, Beirut: Darahiyah al-Tarath al-Arabi. (in arabic)
34. Omidian, F. (2007). *How to Transfer*
35. *Intellectual Property Rights*, Tehran: Faculty of Law and Political Science, Allameh Tabatabai University. (In Persian)

